مدفن مشاهیر نیشابور بر پهنه تاریخی این شهر پیش می‌رود و گذشته آن را به نابودی می‌کشاند

دست نگه‌دارید، «شادیاخ» در خطر است

سیده نعیمه زینبی| از روزی که استاد محمدعلی اسلامی‌ندوشن در خاکِ نیشابور آرام گرفت، مسئله‌ای کهنه تازه شد. رجبعلی لباف‌خانیکی، باستان‌شناس، بیرق اعتراض به دفن مشاهیر را در جایی که او محوطه باستانی شادیاخ می‌نامد، بالا برد و در نامه‌ای سرگشاده از شرکت در مراسم استاد ندوشن عذر خواست و نگرانی‌اش را از ادامه این روند ابراز کرد. این نامه باعث شد بی‌سروسامانی این آرامگاه نظرمان را جلب کند و به‌سراغش برویم. مأمن ابدی فرهیختگان شهر نیشابور چند وجه دارد که می‌توان از آن سخن گفت. تاریخچه این مقبره، اتفاقاتی که به شکل‌گیری آن منجر شد، چرایی دفن استاد اسلامی‌ندوشن در آن، نامه سرگشاده لباف درباره این مدفن و پاسخ شهردار نیشابور به سؤالات، موضوعاتی است که در این گزارش به آن می‌پردازیم.

تصویری از انبار آذوقه در محوطه تاریخی شادیاخ

کتیبه های پیدا شده در سایت شادیاخ

بخشی از پهنه تاریخی شادیاخ

مقبره‌ای برای مشاهیر نیشابور

اواخر دهه ۷۰ و پیش از آنکه کاوش‌های باستان‌شناسی در شادیاخ آغاز شود، شورای شهر نیشابور تصویب کرد یک قطعه زمین در نزدیکی مقبره عطار به آرامگاه بزرگان این شهر اختصاص داده شود. «محمد بی‌ریای‌گیلانی» که به‌نام شیدا میان اهل ادب معروف بود، نخستین مهمان این مدفن شد. او شاعر و صائب‌شناسی بود که در تیر ۱۳۷۳ درگذشت و در وصیت‌نامه‌اش نوشته بود او را در این مکان به خاک بسپارند. پنج سال بعد در یکم مهرماه، پهلوان «یعقوب‌علی شورورزی» نیز مرگ را در آغوش گرفت و در مقبره بزرگان نیشابور خانه ابدی خویش را پیدا کرد. یک سال بیشتر طول نکشید که «فریدون گرایلی» هم در کنار او تن به دیار باقی سپرد. چهارمین نفری که به جمع بزرگان نیشابور پیوست و در همسایگی عطار به آغوش خاک سپرده شد، «پرویز مشکاتیان» بود. تابستان سال ۱۳۸۸ سال خوبی برای موسیقی ایران نبود؛ زیرا یک اسطوره از دست داد. مشکاتیان اهل نیشابور بود و به شهرش بازگشت تا در آن بیارامد. آرامگاه بعدی از آن «محمدقاسم اخوییان» شد که در دی ۱۳۹۸ مرگ را پذیرفت. او هنرمند و پیشکسوت معماری سنتی خراسان بود. پس از آن در تیر ۱۴۰۰ «حسن نظریان»، مورخ، نویسنده و فعال فرهنگی، به جمع بزرگان خفته نیشابور اضافه شد. استاد «محمدعلی اسلامی‌ندوشن» ایران‌شناس و ادیب برجسته، زاده نیشابور نبود و در این سامان هم نزیست، اما شیفته این سرزمین کهن بود. او در کانادا درگذشت و پس از هجده ماه به ایران بازگشت و روی دوش مردم به کشورش تشییع شد. ندوشن خودش خواست تتمه وجودش در زمین را به نیشابور بیاورند و پای بینالود به خاک بسپارند. او نوشته بود: «خواست من است که چون روز محتوم فرارسد، جنازه مرا از دانشگاه تهران گذرانده و به نیشابور انتقال دهند و از آنجا ببرند و در دامنه کوه بینالود به خاک بسپارند.» او را به همسایگی شاعر شهیر نیشابور، عطار آوردند تا تن وی گوشه‌ای از خاک وطن شود. اکنون این آرامستان با ۱۰ جایگاه لوزی‌شکلش با هفت محقق، شاعر و هنرمند مهمانش در میان سایت باستان‌شناسی شادیاخ جای گرفته است.

شادیاخی که شاد نیست!

اکنون باید از شادیاخ بگوییم؛ محله‌ای امیرنشین و کهن در نیشابور. نام این محله از کاخ شادیاخِ عبدا...بن طاهر وام گرفته شده است. عمر این محله اشراف‌نشین از قرن سه قمری تا سال ۶۹۹ قمری است؛ زمانی که زلزله آن را درهم کوبید. حمله مغول به نیشابور و زلزله ۱۲۸۱ قمری امتداد همان ویرانی بود که از کاخ و کاخ‌نشینان آن اثری بر زمین باقی نماند. درباره آن می‌گویند، محل فرمانروایی و زندگی پادشاهان، شاعران و نویسندگان این دیار از جمله خیام و عطار نیز بوده است. از این شادیاخ یا شادی‌کاخ خبری نبود تا سال ۱۳۷۹ خورشیدی، وقتی سومین مهمان مقبره مشاهیر به آنجا آمد. در همین سال کاوش‌های باستان‌شناسی شادیاخ در پهنه شهر تاریخی نیشابور هم آغاز شد و گمانه‌زنی‌های اولیه نشان‌دهنده گستردگی و حجم زیاد آثار تاریخی در این محدوده بود. هیچ دور از ذهن نبود آثار گران‌بهایی در کاخ امیران سلسله‌های طاهریان و سلجوقیان یافت شود و چنین شد. پس از کاوش‌ها حدود ۱۰ سال هیچ هنرمندی به قطعه مشاهیر نیامد تا اینکه مشکاتیان از دنیا رفت. با دفن این استاد موسیقی، رجبعلی لباف‌خانیکی، سرپرست کاوش‌های باستان‌شناسی شادیاخ، درباره خطر توسعه آرامستان هشدار داد. شاید همین آگاهی هم یازده سال تا آمدن مهمان بعدی فاصله انداخت. سال ۱۳۹۸ دوباره سکوت آرامستان شکست و شیون برای مرگ هنرمندی دیگر بلند شد. نگرانی اهالی تاریخ برای محوطه تاریخی شادیاخ نیز ادامه یافت تا به مرگ استاد دیگر رسید. استاد ندوشن آخرین مهمان این کهن‌دیار نیز هزاران کیلومتر پیمود تا در جوار بینالود بیارامد. قرعه دفن او به‌نام آرامستان مشاهیر افتاد و با وقوع این تدفین، صدای اعتراض لباف‌خانیکی نیز دوباره بلند شد. او این‌بار نامه‌ای سرگشاده منتشر کرد و حرف‌هایی را که در دلش داشت، بر قلمش جاری کرد.

اخطار برای نابودی شادیاخ!

لباف در این نامه سرگشاده به ارتباط استاد شاگردی‌اش با دکتر اسلامی‌ندوشن و همسرش در سال‌های ۱۳۵۰ و ۱۳۵۱ و ارادت خاصش به این دو فرزانه اشاره کرده و نوشته است: «از شنیدن خبر درگذشت آن بزرگ‌مرد بسی افسوس خوردم. وقتی شنیدم قرار است پیکر پاک ایشان در نیشابور به خاک سپرده شود، کمی دل‌گرم شدم که خواهم توانست هرازگاهی چند بر مزار استادم زانو زنم، اما وقتی شنیدم قرار است ایشان در شادیاخ دفن شوند، مانند ماجرای دفن شادروان مشکاتیان بسیار متأسف و شگفت‌زده شدم و علی‌رغم میل شدیدم به حضور در مراسم تدفین، به نیشابور نرفتم، زیرا آن بزرگان و دیگران را در «آرامگاه مشاهیر» دفن کرده‌اند، گورستانی که بر فراز بقایای معماری «شادیاخ» گسترده شده است.» استاد لباف سرپرست طرح کاوش شادیاخ بوده و همراه گروهش حدود ۳ هزار مترمربع از ۳۶ هکتار آن را کاویده و بر این باور است که حتی ۱۰ مترمربع از این محوطه باستانی خالی از نشانه‌های تاریخی نیست. او اظهار می‌کند: «همه عرصه شادیاخ از جمله محل آرامگاه مشاهیر روی لایه‌های تمدنی واقع شده است و با حفر هر قبر لایه‌های تمدنی و بقایای معماری نابود می‌شوند و احتمالا در آینده شادیاخ به‌عنوان یک «دولت‌شهر» یا «دارالحکومه» باید مورد کاوش علمی باستان‌شناسی قرار گیرد، ولی تا آن زمان لایه‌های تمدنی و بقایای معماری در آن نابود شده است. از سوی دیگر، قبوری که برخلاف قانون در درون عرصه باستانی ثبت‌شده در فهرست آثار ملی احداث شده‌اند، باید جابه‌جا شوند.»

«طرح اصلاح و بازپیرایی آرامگاه مشاهیر نیشابور» را شهرداری این شهر قرار است اجرا کند تا عرصه گورستان را به اطراف آن گسترش دهد. او در این باره نیز می‌گوید: «چنین حرکاتی نه‌تنها در شأن نیشابور نیست، بلکه بدون تردید روح دکتر اسلامی‌ندوشن را نیز خواهد آزرد، زیرا ایشان در وصیت‌نامه خود نوشته‌اند که در شادیاخ به خاک سپرده شوند، بلکه به‌صراحت نوشته‌اند جنازه را به نیشابور انتقال دهند و از آنجا ببرند و در دامنه کوه بینالود به خاک بسپارند.»

این استاد باستان‌شناس در پایانِ نامه سرگشاده‌اش پیشنهادهایی نیز برای مسئولان و فرهیختگان شهر نیشابور دارد: «از گسترش، فضاسازی و دیوارکشی گورستان ممانعت به عمل آورند، زیرا درگذشت مشاهیر اجتناب‌ناپذیر است و دفن آن‌ها در این محل، دامنه گورستان را گسترش خواهد داد و شادیاخ را که می‌تواند به‌عنوان یک شهر شناخته‌شده و معروف، جاذبه گردشگری و مایه افتخار و مباهات نیشابوریان و خراسانیان باشد، نیست و نابود خواهد کرد و به تعبیر استاد اسلامی‌ندوشن «نیشابور، بلاکشیده‌ترین شهر ایران» را باز هم خواهد آزرد.»

تاریخ نیشابور مخدوش می‌شود

با سؤالات تازه‌ای به سراغ این استاد باستان‌شناسی می‌رویم. دکتر لباف‌خانیکی در مصاحبه با خبرنگار شهرآرا اظهار می‌کند: که از سال ۱۳۷۹ تاکنون بارها به مدیرکل میراث فرهنگی خراسان، مدیر میراث فرهنگی نیشابور و شهرداری این شهر درباره شادیاخ هشدار داده شده است. البته کاملا عیان است که این هشدارها راه به جایی نبرده است و تدفین مشاهیر در این پهنه تاریخی همچنان ادامه دارد. نگرانی این باستان‌شناس از گسترش مقبره مشاهیر است و با عبارت «فکر نمی‌کردم دامنه این قبرستان این قدر بخواهد وسیع شود»، این دریغ و افسوس را اظهار می‌کند. او پیشنهاد می‌کند که آرامستان در وضع کنونی آن تثبیت شود و گسترش پیدا نکند.

نگرانی او پس از خبر دفن استاد اسلامی‌ندوشن بیشتر شده است و درباره آن می‌گوید: «محتوای وصیت‌نامه این نیست. حضور استاد برای نیشابور یک نعمت است و به این امر اعتراضی ندارم. من حرفم این است چرا باید یک محوطه باستانی ثبت‌شده به گورستان تبدیل شود؟ من به رفتاری که با آثار تاریخی نیشابور می‌شود، اعتراض دارم. برند نیشابور تاریخ آن است و با این بولوارها، ساخت‌وسازها و چنین اقداماتی، این برند مخدوش می‌شود.»

مزار استاد محمدقاسم اخوییان

مزار استاد محمدعلی اسلامی ندوشن

مزار پهلوان یعقوب‌علی شورورزی

مزار استاد پرویز مشکاتیان

اجازه دفن جز با مجوز میراث‌فرهنگی میسر نیست

یکی از نهادهای اصلی برای پرسیدن درباره وضعیت مقبره شعرای نیشابور، شهرداری این شهر است و با پیگیری خبرنگار شهرآرا، سیدحسن میرفانی شهردار نیشابور، به سؤالات این روزنامه درباره این محوطه باستانی پاسخ می‌دهد.

نخستین دفن چگونه اتفاق افتاده و چگونه این روال ادامه یافته است؟ اجازه‌نامه دفن‌های بعدی چطور صادر شده است؟

این آرامگاه با موافقت شورای اسلامی شهر و مدیریت وقت میراث‌فرهنگی ایجاد شده است. اکنون نیز اجازه دفن در آرامستان به‌جز با مصوبه شورای اسلامی شهر و مجوز میراث‌فرهنگی میسر نیست.

آیا مالکیت این آرامستان با شهرداری است؟ اگر هست، برنامه بازپیرایی آن چطور خواهد بود؟ اگر نیست، مالک آن کیست و آیا برای طرح بازپیرایی آن از مالک اجازه دارید؟

مالکیت مجموعه آرامگاه مشاهیر با شهرداری نیشابور است. شهرداری نیشابور امسال در راستای بازپیرایی آرامگاه مشاهیر، قرارداد طراحی با مهندسان مشاور ذی‌صلاح منعقد کرد که طرح آن آماده شده و به تأیید شورای اسلامی شهر و شورای فنی میراث‌فرهنگی رسیده است. قرارداد اجرای پروژه نیز به مبلغ ۸۰ میلیارد ریال با پیمانکار منعقد شده است و سایت برای آغاز پروژه به پیمانکار تحویل داده شد.

باتوجه به آنکه این آرامستان بر یک پهنه تاریخی بنا شده، آیا برای پیشگیری از تخریب پهنه تاریخی کاری انجام شده است؟ رویکرد شهرداری در بازپیرایی و خدمات‌دهی در اینجا به چه شکل خواهد بود؟

نیشابور شهری تاریخی است و تقریبا همه قبرستان‌های آن از قدیم در محدوده‌ها و عرصه‌های تاریخی بوده‌اند، مانند گلزار شهدا و بهشت فضل، آرامگاه یغما و قبرستان یغما، آرامگاه و قبرستان شادمهر. همه مراحل مطالعات این طرح که به‌عنوان گام نخست پیشخوان آرامگاه عطار مطرح است، با نظر اداره‌کل میراث‌فرهنگی انجام شده و قرار است آرامگاه مشاهیر در مجموعه باغ عطار ادغام شود.

با گسترش باغ عطار، تاریخ نیشابور نابود می‌شود

دکتر هادی بکائیان، پژوهشگر تاریخ نیشابور، نیز نامه سرگشاده دکتر لباف را خوانده است و می‌گوید: با کلیت نامه موافقم؛ زیرا استاد لباف در شادیاخ نیشابور کار کرده‌اند و درباره تاریخ این شهر دغدغه دارند و به‌خوبی به اهمیت این بخش واقفند. نقد ایشان بر تدفین مشاهیر در قسمت شرقی شادیاخ، این است که فضای باستان‌شناسی و هویتی آنجا به‌هم می‌خورد، ضمن اینکه ممکن است افراد بیشتری درخواست تدفین در مقبره مشاهیر را داشته باشند و تعدی به حریم شادیاخ گسترش پیدا کند.

او با اشاره به اینکه قبرستان، بخش کوچکی از محوطه تاریخی شادیاخ را گرفته است و اکنون می‌شود جلوی گسترش آن را گرفت، ادامه می‌دهد: من با تعدادی از مسئولان شهری تماس گرفتم و آن‌ها نیز توجیهاتی برای این موضوع دارند؛ مثلا می‌گویند آن مناطق را اسکن کرده‌اند و اثر تاریخی در آن نیافته‌اند و سپس اقدام به ساخت مقبره کرده‌اند. هماهنگی با میراث‌فرهنگی، نکته دیگری است که مسئولان شهری به آن اشاره می‌کنند و قابلیت بررسی دارد، اما از نظر من به‌عنوان کسی که با تاریخ آشناست، این مسئله توجیه‌پذیر نیست.

نکته دیگری که باید به آن توجه کرد، تصمیم مدیریت شهری برای ادغام این محوطه با باغ عطار است؛ مسئله‌ای که هادی بکائیان نیز با آن موافق نیست: «این موضوع خودش می‌تواند به یک معضل تبدیل شود؛ زیرا اجرای طرح تفصیلی باعث گسترش آن محوطه می‌شود که بخش بیشتری از بافت تاریخی این سایت را برهم می‌زند. در زمان ساخت افلاک‌نما هم به این مسئله توجه نکردند و این سازه بر بخش مهمی از بافت تاریخی قرار گرفت و آن را نابود کرد و بسیاری از فرصت‌ها برای باستان‌شناسی را دفن کرد. گسترش باغ عطار نیز می‌تواند چنین سرنوشتی را برای شادیاخ رقم بزند.

بکائیان در واکنش به صحبت‌های شهردار درباره اینکه «همه شهر نیشابور پهنه تاریخی است»، نیز می‌گوید: تاریخ نیشابور به دو بخش تقسیم می‌شود؛ نیشابور نوبنیاد و نیشابور تاریخی. دوره نوبنیاد این شهر از زمان تیموری است و حدود ششصد سال قدمت دارد. نیشابور تاریخی، نیز پیشینه‌اش به پیش از تاریخ اسلام بازمی‌گردد. بخش کهن نیشابور از پایان بخش شرقی شهر شروع می‌شود. منطقی نیست بگوییم هیچ دفنی در هیچ نقطه از نیشابور صورت نگیرد، ولی اینکه یک سایت تاریخی که حدودش معلوم است را آرامستان کنیم، نیز جای سؤال دارد. بعید می‌دانم در هیچ جای دنیا درکنار یک سایت تاریخی که تازه کاوش شده است، چنین اتفاقی بیفتد. نفس ساخت مقبره مشاهیر نیشابور، کار خوبی است ولی باید جای دیگری این اتفاق می‌افتاد.

اکنون با این پرسش روبه‌رو می‌شویم که بهترین تصمیم چیست. پژوهشگر تاریخ نیشابور در این‌باره راه‌حل خودش را چنین مطرح می‌کند: آقای لباف به‌عنوان نماینده دغدغه‌مندان موضوع برهم خوردن بافت تاریخی و مسئولان شهری، باید به یک توافق برسند تا این مشکل برطرف شود. تصمیم‌گیری براساس خرد جمعی، بهترین راهکاری است که می‌توان پیشنهاد داد.

نقشه موقعیت مقبره مشاهیر نیشابور